

نگارخانه

استقبال از آثارصادق تبریزی درحراج تهران درخشش پیشگام «سقاخانه»

● گروه هنر: دو فیکور، سوار بر مرکبی راهوار، با صلابتی ستودنی در میانه تصویر ایستاده بودند. چکش حسین پاکدل که بالا رفت و روی پیشخوان حراج فرود آمد، فقط رقم ۴۴۰ میلیونی برای تابلویی از زنده‌یاد صادق تبریزی ثبت نشد؛ مهم‌تر، تمدید یاد و نام پیشگام مکتب سقاخانه بود در دل‌های حاضران سالن «حراج تهران» که به معرفی هنر کلاسیک و مدرن ایران اختصاص داشت. یازدهمین حراج تهران در حالی شامگاه جمعه ۱۴ تیر با عرضه ۷۹ اثر در هتل پارسیان آزادی تهران برگزار شد که آثار صادق تبریزی پیشگام مکتب سقاخانه در دومین سال فقدان این هنرمند، خوش درخشیدند.

در این حراج دو اثر بدون عنوان از صادق تبریزی ارائه شده بود که به رقم‌های ۴۴۰ و ۲۲۰ میلیون تومان به فروش رفت؛ این در حالی است که آثار این هنرمند در بازار محدود است و آثار او تنها بعد از دو دوره حضور در حراج تهران به چنین قیمتی رسیده است. می‌توان گفت تبریزی اعجاب این دوره از حراج تهران بود؛ هنرمندی که البته سابقه ۱۲ دوره حضور در حراج‌های ساتیز، کرسیتیز و یونامز را هم دارد.

طبق اطلاعات موجود، آثار بزرگ تبریزی در بازار محدود است و به همین خاطر این دسته آثار خواهان بیشتری دارد؛ چراکه بیشتر آثار این هنرمند در ابعاد کوچک هستند؛ بنابراین می‌توان گفت این درایت مسئولان حراج تهران بود که این کارها را کشف کرده و در این دوره از حراج به معرض فروش گذاشتند. فروش آثار تبریزی در این دوره نسبت به میانگین دومین دوره‌ای که شرکت کرده، عالی بوده و این نشان می‌دهد این آثار خواستار زیادی دارد.



اثر اول با تکنیک اکریلیک روی بوم در ابعاد ۱۲۰×۹۶ سانتی‌متر خلق شده و رقم ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون تومان به‌عنوان برآورد اولیه برای آن در نظر گرفته شده بود که در پایان ۴۴۰ میلیون تومان چکش خورد. نوشتن کلامی با خط ثلث در هاله خورشیدگون دور سر پیکره‌های انسانی و بخش‌های دیگر این نقاشی، سبب شده اثر از فضای بازنمایی طبیعی فاصله گرفته به نشانه‌های شناخته‌شده چنین سقاخانه و هنر نویس‌کارا نزدیک شود. دومین اثر نیز در سال ۱۳۷۰ با تکنیک ترکیب مواد روی کاغذ چسبانده شده روی بوم در ابعاد ۸۰×۱۰۰ سانتی‌متر خلق شده است که نهایتاً با قیمت ۲۲۰ میلیون تومان خریداری شد. این اثر با مضمونی آشنا، لحظه وصل دو دل‌داده را نمایش می‌دهد؛ مضمونی که سده‌ها در نگاره‌های نسخ مصور، نقوش موجود در سفالینه‌های مینیایی و زرین‌فام و صفحات کتب چاپ‌سنگی، دستمایه کار هنرمندان ایرانی قرار گرفته بود.

زنده‌یاد صادق تبریزی پایه‌گذار نقاشی خط در ایران و از پیشگامان مکتب «سقاخانه» زمستان سال ۹۶ در ۷۹سالگی در لندن درگذشت.

صادق تبریزی نخستین بار در سال ۱۳۳۸ نقاشی خط را روی یک پنل سرامیکی کار کرد و به گواه برخی کارشناسان و منتقدان کار این هنرمند روی این پنل سرامیکی، نخستین اثر نقاشی خط است که کلماتش به قصد خوانده‌شدن نوشته نشده است. تبریزی اوایل دهه ۱۳۴۰ نزد استاد علی‌اکبر کاوه خوشنویسی را فراگرفت و پس‌ازآن هم‌زمان با رواج مکتب سقاخانه در میان شماری از هنرمندان، به سبک نقاشی خط روی آورد. او در کنار پرویز تاولی، حسین زنده‌رودی، فرامرز پیلارام، مسعود عربشاهی و منصور قدنریز از پیشگامان مکتب سقاخانه است؛ مکتبی که ریشه در مکتب‌های قدیمی و میراث فرهنگی ایران داشت و قرار بود پلی میان سنت و دنیای نو بنا کند.

آخرین نمایشگاه خارجی این هنرمند ایرانی در سال ۱۳۹۱ هم‌زمان با «هفته هنری جهان اسلام» در کالری ۸ لندن برپا شد که بازتاب‌های متفاوتی داشت. تبریزی در ۵۰ سال حداقل ۳۰ نمایشگاه مهم انفرادی و گروهی برپا کرد. او اول بار سال ۱۳۵۱ آتاراش را زیر نگاه غربی‌ها برد. از همان زمان، هنر او تحسین هنرشناسانی چون امانوئل لوتن، میشل تاپیه و دیگران را برانگیخت. روزنامه لوموند در شماره ۱۹ آوریل ۱۹۷۲، او را پیشگام نوعی نقاشی غنایی دانست که آتاراش نیروی فریبنده قدرتمندی دارد. تبریزی زندگی پرماجرا و پرفرازونشیبی داشته، شبیه خطوط سرکش، سحرآمیز و کوبنده نقاشی‌هایش. نمایشگاه نگاره‌هایش در بوگز (۱۳۴۹) و گالری سیروس در پاریس (۵۰) که به اهتمام «میشل تاپیه، هنرشناس بزرگ برپا شد، سراغاز شوکوفای هنر او بود. نصرالله افجه‌ای در گفت‌وگویی اعلام کرده است صادق تبریزی نخستین کسی است که هنر نقاشی خط را به شکل امروزی و معاصرش ابداع کرد و برای جامعه به نمایش گذاشت و در بروز و ظهور آن نقشی مهم ایفا کرد.



عسل عباسیان

نمایش «یک زن و یک مرد»، به کارگردانی هوشمند هنرکار چندی است در تالار خانه‌موزه استاد انتظامی روی صحنه رفته است. او این نمایش را بر اساس متنی از الکسی آربوزوف، نویسنده روسی، کارگردانی کرده؛ متنی که مترجم آن مهین اسکویی است. عشق دوره میان‌سالی با تمایه‌هایی از جنگ با ییانی که گاه کم‌دی است و گاه تراژیک، مخاطب را در سالن نمایش با خود همراه می‌کند. هنرکار در این نمایش با کاظم هژیرآزاد و ناهید مسلمی به‌عنوان بازیگر همکاری کرده است. اجرای این نمایش که هر شب ساعت ۱۹:۳۰ در خانه‌موزه استاد انتظامی روی صحنه می‌رود بهانه‌ای شد برای گفت‌وگو با هنرکار.

■ هر شب در تهران بیش از صد نمایش روی صحنه می‌روند؛ هرکدام در حال‌وهوای خاص خود. چطور شد شما تصمیم گرفتید نمایشی درباره عشق، آن هم عشق میان‌سالی اجرا کنید؟
انتخاب متن «یک مرد و یک زن» درست شناکردن برخلاف مسیر جامعه و حتی فضای حاکم بر تئاتر ماست. وقتی حال‌وهوای روحی و عصبی جامعه به این شکل درآمده، اگر هنرمند هم بخواهد به این حال‌وهوا دامن بزند، در اصل کار خاصی انجام نداده است. درست است که ما تحت‌تأثیر جامعه‌مان هستیم، اما می‌توانیم آرزوهای بهتری هم برایش داشته باشیم. اصلا کار هنرمند این است که کمی جلوتر از جامعه‌اش حرکت کند و قدم بردارد، به‌خصوص هنرمندی که دغدغه‌های اجتماعی دارد. با توجه به وضعیت کنونی اجتماعی ما و با وجود فشارهایی که مردم احساس می‌کنند، شرایط روحی افراد باید در حد امکان ترمیم شود. انتخاب متن «یک زن و یک مرد» در چنین بستری صورت گرفت و خوشبختانه واکنش‌های درافتی من از تماشاگران نشان می‌دهد آنچه به دنبالش بودم تا حدود زیادی به دست آمده است. خیلی از تماشاگران این کار بعد از تماشای نمایش یا به من یا به همکارانم گفته‌اند که با حالت عصبی و کلافه وارد سالن شده‌اند، ولی دیدن نمایش حال خوبی به آنان داده و روحیه‌شان تغییر کرده است.

اما بخشی در سؤال شما بود که باید درباره آن نکته‌ای بگویم؛ من نمی‌خواهم صد اجرا یا بیشتر از آن را که این شب‌ها در تهران اتفاق می‌افتد زیر سؤال ببرم، چون تعدادی از این کارها واقعا تئاتر حرفه‌ای هستند. برخی از اجراهای گروه‌های حرفه‌ای که البته ناچارند کار کنند چون کارشان تئاتر است، به نقطه‌ای می‌رسند که می‌توانیم نامش را واقعا تئاتر بگذاریم، اما تعداد اینها انگشت‌شمار است؛ یعنی در قیاس با ۱۰ سال پیش که این شرایط نبود و شاید هر شب حدود ۱۰ تا ۱۵ کار اجرا می‌شد، کار بارزش و باکیفیت خیلی کمتر شده است. واقعیت این است که علی‌رغم کمیت عجیب و پریشان‌کننده، کیفیت تئاتر افت کرده است؛ الان خود شما می‌توانید بروید و ببینید. در



نسیم قاضی‌زاده

همیشه یکی از بهترین موقعیت‌ها برای هر آهنگ‌سازی، ساخت موسیقی برای یک اثر تصویری در فضای حادثه‌ای است. فرازوفرودهای این جنس قصه‌ها، درام جاری در آنها و خونی که در رگ آنها می‌جوشد، به آهنگ‌ساز فرصت این را می‌دهد که ایده‌هایش را در فضایی پرحرکت‌تر به جریان ببندازد و عملی کند. حالا اگر به این قصه حادثه‌ای، یک قصه کناری خانوادگی هم اضافه شود و خط اصلی داستان در کنار آن روایت شود، کار آهنگ‌ساز به مراتب راحت‌تر و درعین‌حال با فراغ‌بال بیشتر می‌تواند ادامه پیدا کند، چراکه این فضای دراماتیک در درون قصه به کمک تم‌سازی‌های بهتر می‌آید.

از گذشته تا به امروز هم کارنامه آهنگ‌سازان نشان داده است که برخی از ماندگارترین کارهایشان را برای فضاهای تریپر نوشته‌اند تا آنجا که برخی مانند برنارد هرمان به‌خاطر موسیقی‌های فیلم‌های هیجک‌ناز شهرت جهانی رسیده و کمتر موسیقی‌ای به قدر و منزلت آثار حادثه‌ای‌اش رسیده است. «نهنگ آبی» فضایی مانند بسیاری از تریلرهای روزگار ما را دارد؛ خوش‌ساخت، پرچهره، داستانی که در آن خرده‌داستان‌های عاشقانه و خانوادگی هم چاشنی شده‌اند و به قول موزیسین‌ها حسابی جا می‌گذاشته شده برای استفاده از موسیقی. امید رئیس‌دانا یکی از آهنگ‌سازان جوان موسیقی فیلم ایران است که در سال‌های اخیر در پروژه‌های مختلف حضور داشته است. او برای تیتراژ متفاوت و دیدنی نهنگ آبی موسیقی‌ای نوشته که از همان ابتدا تکلیف موسیقی و سازبندی را روشن کرده است. آهنگ‌ساز به سراغ استفاده از سازهای الکترونیک رفته و اصوات

گفت‌وگو با هوشمند هنرکار، کارگردان نمایش «یک زن و یک مرد»

هنر

گفت‌وگو با هوشمند هنرکار، کارگردان نمایش «یک زن و یک مرد»

اجرای نمایشی بر خلاف موج این‌روزهای تئاتر



عسل عباسیان

نوعی جزء ویژگی کارهای من شده است و من این چالش را دوست دارم که چطور با دو آدم کار کنم که آنها تماشاچی را خسته نکنند، به‌خصوص دو آدمی که میان‌سالی را رد کرده‌اند و در مسیر پیری هستند. چقدر می‌شود جذابیت ایجاد کرد؟ وقتی می‌بینم که جذابیت وجود داشته و تماشاچی با آنها همراه می‌شود یعنی موفق شده‌ام و از کارم راضی هستم. کسانی هم در سطح جهانی بوده‌اند که در درام‌نویسی و کارگردانی تمایل بیشتری به کارهای کم‌پرسوناژ داشته‌اند. من ابتدا از سر اتفاق و ناچاری این قضیه برابیم اتفاق افتاد، اما الان با تمایل کامل به سراغ کارهای کم‌پرسوناژ می‌روم، گرچه کارهایی با پرسوناژ بیشتر در کارنامه من

کم نبوده است و کار بعدی من قطعاً کاری است که بیش از تعداد محدود و معدود بازیگران و پرسوناژها را دارد.

■ وقتی نمایش با دو بازیگر روی صحنه می‌رود، قاعدتاً بخش مهم‌تر کارگردانی، تمرکز همکارانم گفته‌اند که با حالت عصبی و کلافه وارد سالن شده‌اند، ولی دیدن نمایش حال خوبی به آنان داده و روحیه‌شان تغییر کرده است

به حال‌وهوای متنوعی که دارد، بیشتر نمود پیدا می‌کند. مقداری راجع به این برپایان توضیح دهید. نوع بازی و بازی‌گرفتن به تعداد بازیگر ربطی پیدا نمی‌کند؛ چه یک بازیگر و چه ۳۰ بازیگر. ناهید مسلمی و کاظم هژیرآزاد در کار دونفره همان بازی را می‌کنند که در یک کار پرجمعیت یا نقشی کوچک و متفاوت، شیوه نزدیک‌شدن بازیگر به نقش در هر سه نفر ما یکسان بود؛ آن هم به‌خاطر تعلیماتی که دیده‌ایم و هم‌زمانی هم‌گروهی و هم‌خوانده‌بودنمان. این کمک می‌کند تا این کار خیلی ساده به سرانجام برسد و دارای امتیاز باشد. نکته‌ای که درباره بازی خانم مسلمی اشاره کردید، درست است. نقش لیدیا در این نمایش متنوع‌تر است و تا حدی قصه روی این شخصیت می‌چرخد و این کار را جذاب کرده است. طبیعتاً هر بازیگری که این

من از زمانی که یادم می‌آید، از «سگ مرده» و «آینه» و «برده‌ها...» کارهای دونفره را دست‌گرفتم که فکر کنم در ابتدا اتفاقی بود، اما بعدها جزئی از شناسنامه من شد. نه‌آنکه بخواهم امتیازی برای خودم قائل شوم، اما کار دو و سه پرسوناژ بسیار سخت و پرچالش است که کارگردان به راحتی نمی‌تواند جذابیت‌هایی را ایجاد کند که تماشاگر تا انتهای نمایش خسته نشود و اثر برایش جذابیت داشته باشد. می‌توانم بگویم در طول سالیان به این قضیه رسیده‌ام که کارهایی را انجام می‌دهم که تماشاگر تا پایان نمایش با رضایت می‌نشیند و کار را تماشا می‌کند و لذت می‌برد، بازخوردهایی هم که از این کار داشتم خیلی خوب بوده است. بله، کارهای کم‌پرسوناژ به



نگاهی به موسیقی سریال نهنگ آبی

من هستم برای لذت، نه برای آزار گوش‌هایت



الکترواستیک را به واسطه حضور سازهای برقی و زنده وارد کار کرده است. از آنجایی که خط اصلی روایت این سریال حول محور ابزار و مفاهیمی مانند فضای مجازی، تلفن همراه، لپ‌تاپ، هک‌کردن، بی‌اعتمادی و بی‌خبری می‌چرخد، به نظر می‌رسد که استفاده از سازهای الکترونیک ایده خوبی باشد، هرچند آهنگ‌ساز به آنها بسنده نکرده. او در القای موقعیت‌های شک و تردید، به سراغ یار همیشگی آهنگ‌سازان رفته و از پیانو استفاده کرده است. در کنار آن از سازهای کودکان‌تر که اغلب به نام سازهای ارف شهره‌اند بهره گرفته است.

از دیگر ویژگی‌هایی که می‌توان در موسیقی این سریال به آن اشاره کرد، استفاده به‌اندازه از موسیقی است. موسیقی نیامده تا همه فضاهای خالی را پر کند. قهراری ندارد تا آن‌قدر زیاد و پرصدا باشد که ویژگی الکترونیک آنها باعث شده است تا خودشان در پیشبرد قصه دارای شخصیت شوند. آمیبانس

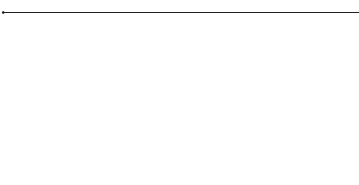
نقش را بازی کند فرصت بیشتری برای دیده‌شدن دارد، نه‌اینکه به‌خاطر پیش‌آمدن این فرصت ناهید مسلمی موفق بوده؛ نه. ناهید مسلمی توانایی‌های خودش را بروز داده و من خودم می‌دانستم که با چه کسی کار می‌کنم و آگاه بودم به اینکه او بعد از این‌همه سال تجربه کاری می‌تواند این کار را به خوبی انجام دهد. البته طبیعتاً نقش کارگردان هم خیلی مهم است. اگر کارگردانی، این متن یا هر متن دیگری را داشته باشد، اما نداند که چه می‌کند یا نداند که با بازیگرش چگونه رفتار کند، بعید است که بازیگری اثر دارای امتیازاتی شود.

■ و اما درباره بازی کاظم هژیرآزاد، این بازی می‌توانست یک کلیت باشد؛ کلیتی از یک پزشک، اما شما وارد جزئیات شدید. این بازی دارای افت‌وخیز، پنهان‌کاری و غصه است. این کار چگونه به دست آمد؟ خود کاظم هژیرآزاد چقدر از این شکل پرداخت به نقش استقبال کرد؟

از ابتدا شخصیت پزشک به نحوی بود که من کاظم هژیرآزاد را در این لباس و نقش می‌دیدم. البته ممکن است خیلی‌های دیگر هم بتوانند این نقش را بازی کنند و خیلی هم خوب باشند، ولی در ایران، دو سه نفر بیشتر را نمی‌شود پیدا کرد تا از همان ابتدا بیابند و در انتخاب کارگردان بنشینند. کاظم، هم توانایی‌های وسیعی دارد و هم این نقش را خیلی خوب اجرا کرده است. از همان ابتدا هم به‌خاطر رفاقت، هم‌خانواده، هم‌مسلك و هم‌مکتب‌بودن، آمد و در این کار قرار گرفت و هیچ چون‌وچرایی هم نداشت. هم کاظم هژیرآزاد و هم ناهید مسلمی تمام محدودیت‌هایی را که می‌توانست در این نمایش برایشان پیش بیاید پذیرفتند. این محدودیت‌ها فقط شامل محدودیت‌های اقتصادی نبود؛ فرصت‌هایی که ممکن بود در جای دیگر برایشان پیش بیاید و از دست برود یا حتی محدودیت‌ها و شرایطی که سالن به ما تحمیل می‌کرد.

■ حتماً شما را با وضعیت امروز تئاتر و نقش آن در جامعه و تأثیرگذاری بر مردم شروع کردیم، در جمع‌بندی هم می‌خواهم به همین موضوع بپردازیم. از نگاه شما همچنان می‌توان خاصیت درمانی برای تئاتر قائل بود؟ برای مردمان امروز جامعه؟ و اصلاً توان و جانی برای تئاتر ما باقی مانده که بتواند فارغ از دغدغه جذب تماشاگر و مسائل فراسنایی دیگر به چنین اهدافی بیندیشد؟

جذب تماشاگر و به قول شما اهداف دیگر همواره از دغدغه‌های گروه‌های تئاتری است، اما به گمان من هیچ هنر دیگری و حتی هیچ برنامه درمانی دیگری (البته به‌جز معالجات پزشکان) به پای درمانگری تئاتر و چه در زمان درمانی آن نمی‌رسد. تأثیر حضور زنده و رودررو با افرادی که پالایش می‌یابند با هیچ چیز دیگری قابل مقایسه نیست. به همین دلیل است که اکنون همه‌هاست که تئاتر درمانی مورد توجه بسیاری از گروه‌های درمانگر و پزشکان قرار گرفته است. جدای از اینکه در شرایط فعلی تماشاگران به چنین تئاترهایی احتیاج دارند، خود تئاتری‌ها هم سخت نیازمند چنین درمانگری هستند. می‌شود گفت در شرایط فعلی به‌صحنه‌آوردن یک نمایش (به‌ویژه کارگردانی آن) شجاعتی می‌طلبد و اضطرابی به همراه دارد که تئاترپیشگان حرفه‌ای ما تا حد زیادی در حال گریز از آن هستند.



موسیقی که بی‌شباهت به موسیقی‌های اکسپزن زمان کودکی‌های ما نیست در کنار فیلم‌نامه و بازی‌ها نقشی را ایفا می‌کند که در بخش شنیداری اثرگذارند؛ اثری نامحسوس اما حاضر. تصور می‌کنم بخشی از شیوه استفاده از موسیقی هم مستتر در نظرات فریدون جیرانی بوده است؛ فیلم‌سازی که پیوسته به موسیقی در تمامی فیلم‌هایش بهایی ویژه داده، از کار آهنگ‌سازان خوش‌قریحه بهره گرفته و البته تلاش در استفاده متفاوت از کار آنها را هم همیشه مدنظر داشته است. در کنار او سعید ملکان تهیه‌کننده‌ای ایستاده که هرگز نسبت به موسیقی فیلم‌هایش نه‌تنها بی‌تفاوت نبوده که شخصاً در زمان ضبط بسیاری از آثار به استودیو می‌رود و درباره موسیقی حساسیتی ویژه دارد. فراغ از ارزش‌گذاری بی‌تفاوت‌نبودن فیلم‌ساز و تهیه‌کننده نسبت به قصه سیر می‌تواند موسیقی فیلم می‌تواند پیش‌برنده و انگیزه‌بخش باشد.

به‌جز موسیقی متن فیلم، موسیقی تیتراژ پایانی نهنگ آبی از مهم‌ترین بخش‌های آن محسوب می‌شود، چراکه بیش از دیگر بخش‌های موسیقی شنیده شد که دلیل آن هم حضور دو خواننده و آهنگ‌ساز حرفه‌ای و برطرف‌ر بود. طبیعی هم هست و در همه دنیا تک‌آهنگ‌های فیلم – اگر شنیدنی باشد– بارهاوبارها بیشتر از موسیقی فیلم‌ها شنیده و دانلود می‌شوند. «جای من نیستی» قطعه‌ای است که توسط سیروان خسروی و کاوه یغمایی آهنگ‌سازی مشترک شده و هادی زینتی شعر آن را سروده است. جالب اینجاست که این آهنگ‌سازی مشترک به معنای واقعی کاری تیمی بوده، چراکه شما هم سلیقه موسیقایی سیروان و هم یغمایی را در آن می‌شنوید. هرچند به واسطه اجراهای زنده و سریع سیروان از این قطعه در کنسرت‌هایش، بیشتر صدای او به ذهن متبادر می‌شود. استفاده از سازها و موثیف‌های محلی در کنار فضای الکترونیک باعث شده است تا ایرانی‌بودن و در عین‌مربودون آتمسفر حفظ شود.

ادامه از صفحه ۶

۳برگ برنده ایران در دور جدید تحریم‌ها

اگر شرایط مذاکره فراهم شود، که در این مورد شرایط مورد نظر ایران (که اولینش بازگشت آمریکا به برجام است) کاملاً درست و منصفانه است، باید مذاکره کنیم و ارزیابی من این است که این مذاکره دیر یا زود انجام خواهد شد، بااین‌حال ایران به‌درستی منتظر تحولاتی در رویکرد آمریکاست که باز هم می‌توان در چارچوب نظریه بازی‌ها آن را به‌خوبی فهمید.

■ گمان نمی‌کنید درحال حاضر پذیرش مذاکره از سوی ایران، برگ برنده‌ای برای ترامپ در انتخابات دور بعد خواهد بود؟

الان که اصلاً شرایط مذاکره فراهم نیست. اما اگر شروط به‌حق ایران عملی شود، مذاکره هیچ اشکالی که ندارد هیچ، بلکه فوایدی هم خواهد داشت. اینکه در آن شرایط، مذاکره برای ترامپ برگ برنده‌ای در انتخابات تلقی شود یا نه، مهم نیست. خط قرمز ما منافع ملی ایران است و نه پیروزی یا شکست ترامپ. مگر کسی تضمین داده که در صورت پیروزی کسی دیگر، بازگشت به برجام و تأمین منافع ایران اتفاق خواهد افتاد؟

■ و اگر منبنا را بر این قرار دهیم که هیچ‌گاه مذاکره‌ای صورت نگیرد، وقوع جنگ را چقدر محتمل می‌دانید؟

من تخصص محاسبه این احتمال را ندارم، اما با توجه به رویکردهای راهبردی نظام، گفته‌های مقامات ارشد کشور و روش عمل ترامپ، بسیار بعید می‌دانم جنگی اتفاق بیفتد. شخصاً فکر می‌کنم که اگر آمریکا تصمیم به جنگ واقعی بگیرد، همین کشورهای نامهربان و پرمدعی منطقه به‌عجله به پای انت‌راسپ می‌افتند که حمله‌ای صورت نگیرد. چون در آن صورت اینها هزینه بسیار بیشتری را نسبت به آمریکا و ایران متحمل خواهند شد که شاید برایشان تا سال‌ها قابل جبران نباشد.

■ اگر جنگ اتفاق نیفتد و مذاکره‌ای هم نشود و تحریم‌ها ادامه داشته باشد، اقتصاد ایران چقدر تاب‌آوری خواهد داشت؟

اقتصاد ایران تاب‌آوری لازم را دارد. ما در دهه ۶۰ که اصلاً وضعیت اقتصاد و زیرساخت‌ها و ظرفیت‌های بالقوه کشور با الان قابل مقایسه نبود، هشت سال در جنگ بودیم و زیر بمباران و موشک‌باران و خمپاره، کشاورزمان، کاشت و داشت و برداشتشت را انجام می‌داد، ایران‌خودرو و سایپا، خودرو تحویل مردم می‌دادند، ذوب‌آهن اصفهان فولاد تولید می‌کرد، صنایع غذایی و لبنی کار می‌کرد و سینماگران هم فیلم خودش را می‌ساخت و حتی یک سال هم مثلاً جشنواره فیلم فجر تعطیل نشد، اعتراضاتی‌ها کتاب پشت کتاب منتشر می‌کردند و هر چند همه اینها با تحمل دشواری‌هایی روبه‌رو بود که گاهی نفس‌ها را تنگ می‌کرد اما هیچ‌گاه نبریدیم و اقتصاد چرخید، الان که دیگر امکانات بیشتری داریم و تولید ناخالص داخلی‌مان عدد بهتری را نسبت به گذشته دارد، بنابراین ما نگران تاب‌آوری اقتصاد در شرایط تداوم و حتی تشدید تحریم‌ها نیست‌ام خوب معلوم است که هزینه‌ها و بهای نهاده‌های تولید بالاتر خواهد رفت.

اگر به رژیم تحریم‌های آمریکا و روند آنها نگاه کنید، معلوم می‌شود که اکنون در اوج تحریم‌ها هستیم زیرا آمریکا دیگر به موارد عجیبی مانند تحریم مقام معظم رهبری و وزیرخارجه رو آورده و این یعنی دیگر دشتش خالی است و چیز دیگری نمانده است. بر خلاف تصور خیلی از کارشناسان داخلی و خارجی، در همین شرایط داریم با خیلی از کشورها کار می‌کنیم و من معتقدم که شرایط سخت‌تر از این نخواهد شد. خوشبختانه این‌دفعه با سه ویژگی هم مواجهیم که در ۲۰۱۰ نبودیم و این احتمال تقویت تاب‌آوری را زیاد می‌کند: اول اینکه آمریکا در تحریم‌ها تنهاست و سازمان ملل و اروپا به لحاظ سیاسی و حقوقی آن را همراهی نمی‌کنند، دوم اینکه تجربه تحریم‌ها گسترده قبلی را داریم و بنابراین توان مدیریت محدودیت‌ها را بهتر از قبل داریم و سوم اینکه عموم مردم چون تجربه بدهدیی‌های آمریکا با ایران و کره شمالی و حتی چین و هند و بعد توهین‌های او به اعراب ثروتمند را دیده‌اند، همراهی بیشتری با تصمیم‌های نظام دارند و مانند دفعه قبل، در تشخیص مقصر مردم نیستند و می‌بینند که چه کسی بدهدیی و قانون‌شکنی کرده و ماهیت واقعی رویکردهای آمریکا را بهتر تشخیص می‌دهند.

■ شاخص‌های اقتصادی سال جاری را سال خوبی نشان نمی‌دهد. به نظر شما چه مقدار زمان نیاز است که این شاخص‌ها از حد بحران عبور کنند؟

برای پاسخ به این سؤال، ناچاریم چند پیش‌فرض داشته باشیم، یکی اینکه همین سطح از شرایط بین‌المللی برای ایران تا مثلاً سال آینده باقی بماند. دوم اینکه بر اثر انتخابات مجلس و... تغییر مهمی در شرایط سیاسی و اجتماعی رخ ندهد، به نظرم این شاخص‌ها نمی‌توانند در مدتی کمتر از دو یا سه سال از بحران عبور کند. اما اگر شرایط بین‌المللی بهتر شود و دولت و مجلس هم همدلی و همکاری بیشتری داشته باشند و تدبیر بیشتری به کار گرفته شود، طرف چندماه می‌توان شاهد بهبود شاخص‌ها بود. هیچ‌گاه نباید ناامید شویم و هیچ چیز نباید ما را متوقف کند.